



دوستی سیاست حکمرانی



چکیده مقالات هفتمین همایش سالانه
انجمن علوم سیاسی ایران

چکیده مقالات

هفتمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی

حکمرانی، سیاست و دوستی

اردیبهشت ۱۳۹۲

نسبت‌سنجی دوستی، دگرخواهی و عدالت در نظریه حکمرانی خوب براساس خوانش گلستان سعدی

دکتر مهدی نجف‌زاده *

سمیرا جوانمرد **

عدالت یکی از مهم‌ترین پایه‌های نظریه حکمرانی خوب است، اما در نسبت میان دوستی و عدالت در ترسیم مختصات حکمرانی خوب، دوستی برجحیت دارد. براساس دیدگاه ارسطو، عدالت پیوند ساز میان احاد جامعه و فضیلتی اجتماعی دربردارنده تمام دیگر فضایل است، اما در مقام مقایسه او دوستی را در مرتبه‌ای بالاتر از عدالت قرار می‌دهد و معتقد است با وجود آن که عدالت بدون دوستی معنایی ندارد، اما هر جایی که دوستی موجود باشد، نیازی به برقراری عدالت نیست؛ چرا که عدالت با افزایش دوستی افزایش می‌یابد. عدالت در فراسوی دوستی رشد می‌کند و بنابراین هر دو در زمینه مشترکی می‌رویند و پایه‌های یکدیگر نمو می‌کنند. دوستی، از این منظر نماد بارز برابری نیز هست و بهترین دوستی نیز تنها میان کسانی اتفاق می‌افتد که در فضایل و شخصیت، بیش از هر کسی به یکدیگر شباهت داشته باشند. عالی‌ترین شکل عدالت در نظریه حکمرانی خوب زمانی رخ می‌دهد که دوستی به مثابه دگرخواهی اجتماعی تعریف شود. نویسندگان مقاله با کاوش در دویست گزاره به دست آمده از حکایات گلستان سعدی

مدعی هستند برخی از وجوه حکمرانی خوب را می‌توان از متون سنتی ایرانی به دست داد. سعدی از جمله سرآمد کسانی است که در اندیشه‌ورزی ایرانیان، دگرخواهی مدنی را پیش از عدالت اجتماعی، مبنای حکمران خوب قرار داده است. دگرخواهی مدنی در گلستان سعدی در سه سطح بودشناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی قابل تمییز است. در سطح اوّل پذیرش دیگری نه همچون ابژه، بلکه به مثابه «سوژه‌ای مستقل» صورت می‌گیرد. در سطح معرفت‌شناسی، سعدی «صلح‌طلبی» را مبنای دگرخواهی تعریف می‌کند و در عرصه روش حکمران را به «تحکیم روابط اجتماعی» اندرز می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: فضیلت، عدالت، دوستی، حکمرانی، تحلیل متن، سعدی.